

همراهی و نفوس مطالبه می که باسی سفارت اعلیحضرتی از دولت  
ایران نمایند و فوراً مروفی آن دستورالعمل بمسئول هارینگ مسدود  
او بمن اطمینان صریح داد ~~صت~~ کابل لناحوف در حجم اقدامات  
احترام سه و قبول عهده کنترل نظامی شهر طهران (اگر حسن کاری  
کرده است) بدون و مر و با اطلاع و با تصویب دولت مبرطوری  
این کار را کرده است

مرد ۱۷۱

بنکرف سرادوردگری بمسیر اوپون

وزارت خارجه ۳ ژوئن ۱۹۰۸ در باب بنکرف عرد  
شهر حرت است ربه طهران را که دولت روس در خصوص  
بجصل تعهد رطل استخوان است و طر آنکه در زمان و باشد معنی  
مداکرات نمایند کرده است و آن موافقت درام و در مور خارجه  
را از انجمنه طابع دهند

مرد ۱۱۲

بنکرف سرادوا دگری بمسیر مارلینگ

وزارت خارجه ۳ ژوئن ۱۹۰۸ - بنکرف مرور من  
بمستتر و برن شد محرز هستند که در موافقت همکار روس خود بر  
طبق آن اقدام نمایند

مرد ۱۷۳

بنکراف مستر مارلینگ سر دوا دگری - (واصله ۵ ژوئن)  
طهران ۵ ژوئن ۱۹۰۸ بیکه داسی مسیحفطین موسولجده  
در شیراز - راجع بنکراف ۲۶ فوریه سما - نظر نعلر طلل السنطار

و حتمی بودن تجدید اغتشاشات این ایالت در تحت حاکم جدید کفیل قونسولگری میخواهد بداند آیا شما تصویب میکنید که دسته مستحفظین اینجا بمانند

نایب الحکومه جدید در موقع دیگر سابقاً ابراز بی کفایتی کامل نموده و گمان میکنم اصلاح این است که نگاه داشتن آنها را در آنجا تصویب نفرمائید چرا که بر من یقین است که پس از حرکت ظل السلطان اغتشاشات جدیداً بوقوع خواهد پیوست

نمره ۱۷۴

تلگراف مستر مارلینک برادواردگری . - (واصله ۵ ژوئ) طهران ۵ ژوئ ۱۹۰۸ دیروز باز هم عساکر دور سفارت گردش میکردند مابین ساعت یک و شش بعد از ظهر پنجدهه و مابین ساعت نه و نیم بعد از ظهر الی ساعت یک بعد از نصف شب سه مرتبه دور زدند محافظت اطراف سفارت کمتر از سابق اسباب زحمت ما است و عساکر زیاد در آنجا توقف نمودند

وزیر امور خارجه قرار است که امروز از من ملاقاتی کند من بحضرت ایشان اشعار نموده‌ام که باید مضمون ترضیه که بایستی بخواهند قبلاً بمن ارائه نمایند

در باب مطالب در تحت نمره ۳ من دقت زیاد در تمیز اشخاصی که باید مستخلص شوند خواهم کرد چرا که تشخیص آنها اشکال دارد

یجتمیل شاه درخواست نماید که سه یا چهار نفر از متحصنین را از خاک ایران تبعید نماید

نمره ۱۷۵

ملخص مکتوب مستر مارلینک برادواردگری . - (واصله ۶ ژوئیت)  
 قلمک ۱۷ ژون ۱۹۰۸ - توضیح کلیه علل و اسباب و شاید  
 صحیح تر باشد گفته شود تعیین مناسبت اهمیت آنها بنعلل و اسباب  
 مختلفه بحرانی که باعث انقلاب ایران و مخصوصاً انقلاب پایتخت چند  
 روزی در انتهای مه و اوایل ژون شده سهل و آسان نمیشد

از ۱۶ شهر گذشته تاکنون مملکت کابینه وزیرانداغته هیچکس  
 از خارج شدن مشیرالدوله از وزارت خارجه متاسف نیست ضعف حقارت  
 آمیز او باعث تجدید خشم اهالی بر علیه شاه شده انقلاب شدیدی شروع  
 گردیده از اعلیحضرت تقاضا شد که امیر بهادر جنک و سایر درباریان دعوتمند  
 خود را که بواسطه همان اعتمادی که شاه بر آنها داشت مورد تفرملین  
 شده بودند اخراج نماید

روز سه شنبه طرف عصر (دوم شهر جاری) شاه بقبول تقاضای  
 آنها تن در داده و حاضر شد که شش نفر از اطرافیان خود را اخراج  
 نماید مابین ساعت دو و سه بعد از نصف شب امیر بهادر جنک باتفاق  
 بیست نفر از غلامان مسلح خود بسفارت روس در زرگنده رسید

روز بعد که سوم شهر جاری باشد من از سفیر روس که بدیدن  
 من آمده بودند پذیرائی کردم سیو دو هارت و یک اظهار داشت شاه  
 خود را در واقع از دست رفته و مشرف بهلاکت میداند و من خیلی مایل  
 حفظ جان او هستم و بگمان او موقع آقدر سخت بود که سفارتین لازم  
 است اقدامی بنمایند بنا بر این او اینطور ارائه طریق نمود که مامتفا  
 از مشیرالدوله که اگر چه پنج روز قبل از کار استعفا نموده بود هنوز بمقام

وزارت امور خارجه برقرار بود ملاقات نموده و او را از نقایح و عواقب مهمی که از حدوث اتفاقی برای شاه ممکن است برای ایران بوقوع آید متذکر سازیم من گفتم بسیار مشتاقم که در این امر با او اتفاق نمایم ولی گمان نمیکنم از مذاکره اینمطلب با مشیرالدوله فقط چندان نتیجه بدست آید چه که اودمکن است شرح اظهارات و عنوانات ما را بطور بسیار ناقصی بیان کند و اینطور ارائه طریق نمودم که ممکن است از مشیرالدوله درخواست نمائیم که رئیس مجلس را هم برای ملاقات مدعوت کند میبودوهارت و ملک اینمطلب رضاداده و پیشنهاد نمود که چون بمسئولان دولت هم زودتر از وزیر امور خارجه میتوان اعتماد نمود بهتر است که عندالملك هم حضور داشته باشد

در این ترتیب مشیرالدوله تکمیل کرده از او درخواست نمودیم که برید دلاسانی برای ساعت سه و نیم همانروز بعد از ظهر بدهد همینکه بخانه مشیرالدوله رسیدم میبودوهارت و ملک را آجا رفتم ولی هم ممتازالدوله و هم عندالملك بمعادیر بست دتذکر شده از حضور در آجا خود را معاف نموده بودند میبودوهارت و ملک ابتدا شروع بمذاکره نموده بوزیر امور خارجه اشعار نمود که ما بسمن نمایندگی دودولت که بی اندازه مشتاق سعادت ایران هستند آمده ایم طریق خطرناکی را که ایران را گذارده اند در آن مشی نموده و رو بهرج و مرج برود بشما بنمائیم

این مسئله آینه بسیار وخیمی در پیش دارد و امیدوار است که مشیرالدوله این را جزو مشاغل خود فرض نموده همکاران خود و مجلس را باجدیت تمام از اهمیت موقع متنبه سازد

س از احتیاج نطق مسیو دوهارت و ملک من اظهار داشتیم که  
 باعقاد اودرتب اوصاف حاله بران مواهب نامه دارم و کما تمیکم که  
 بهرین صلاح من است که ماس ساه و اهلی احساس بهتری تولید  
 شده و عدم اعتماد عامه نسبت بن اعلیحضرت مرفوع گردد بدینجهت  
 ظاهراً هیچکس حرث نمیکرد که نری دفاع شاد ملک کاتبه حرفی  
 بران اعصابی مجلس هفت برتاب شده ، طلاعی استند و عهد آنها  
 درمدل مالی مثلاً مثل عهدت بجهت سب ولی با استناد هیچکس در  
 سدد تصحیح عفاوند آنها در نامده و سب بجهت ساه بعینه شنبه نه  
 سب مرام مجلس سب حد و سب است که غیر محتمل و سب آنها بر  
 همه و صحیح سب بر طبقه سب سب کردند ملک سب مرام جاهل  
 محبت بواسطه آنها هیچکس از ولاء مور رحمت نکند ر نر  
 خود هموار نمودند تا سبای تمام آرا قبول و تصدیق نمودند  
 مسر دوله وعده داد که ماب ماز بر روی صدق و

امان بهمکاران خود و مجلس برساند

همسکه حاره مرحبتی کردند مسوودوهارت و سب آتیب کمان  
 میکند مشیرالدوله سب ماز بطور صحیح آتوری که داخوه باشد  
 برساند و عفا انطور صلاح دند که هر دو ر عصبدا ملک ملاقات  
 نموده و مطالب را بهمان بهج نام عنوان ماسم خون وعده ملاقاتی  
 مستر رانسو داده بودم بواسطه فوراً بحاجه عصبدا ملک بروم ولی  
 پس از حرکت مسو دوهارت و ملک مسم رود خود را سبجا رسانده و  
 همانطوریکه مشیرالدوله اظهارات مطالب خود را نموده تا سب  
 هم مدا کرده کردند

عقیده من اینست و برای آن دلیل دارم **صکه** مشیرالدوله مطالب مارا بطور صحت بر رئیس مجلس اظهار داشت من اقدام نمودم که يك نفر وکیل متدین بی ترس را که شرح مطالب مارا بطور صحت اظهار میداشت از بیانات و مقاصد خود مستحضردارم نمیتوانم بگویم که از این اقدام نتیجه مطلوبه در راه تولید موافقت و موافقت مابین دو طرف بدست آمد بانه

صبح روز بعد ( ۲ شهریاری ) همینکه پس از مراجعت از طهران **صکه** برای کارهای شخصی آنجا رفته بودم بقلهک رسیدم قریب ساعت بازده از مجلس بانلقون بمن خبر داده شد که شاه قریب ساعت ده از ارك خارج شده معلوم نیست بکجا رفته است از قرار معلوم قریب ساعت نه و نیم قبل از ظهر مابین بعضی از قراولان قصر نزدیک دروازه حوالی اداره گمرک تراعی بوقوع رسیده و فریاد زدند که شهر را باید غارت کرد دسته جات سرباز آمده باین طرف و آن طرف شهر تاخت و تاز نموده و در حین بهم خوردگی که از استنکار بهم رسید شاه باعده معتبری از عساکر که دور او را محافظت مینمودند و با کلنل لیاخوف و مسیوشاپشال که این طرف و آن طرف کالسکه بودند بطرف باغشاه که در مغرب شهر واقع است رفت همینکه معلوم شد شاه که خارفته نظم اعاده گردید ولی مردم بسیار مشوش و مضطرب بودند بمجرد آنکه این اخبار بمن رسید در زرگنده سفارت روس رفته و چون مسودوهارت و يك سفارت آلمان رفته بود من منتظر مراجعت او شدم همینکه وارد شد اظهار داشت که این اخبار کمی بعد از ساعت ده بوسیله تلفون باور رسیده و از ترتیبی که پیش آمده بود

اظهار خوشنودی نمود چرا که تصور میکرد در باغشاه برای شاه  
وسایل امنیت بهتر از مرکز شهر موجود بود و امید داشت که شاه بزودی  
بنیاوران که در دامنه کوه واقع است عزیمت خواهد نمود

شهر طهران بکلی آرام بود قزاقان در کوچه گردش کرده  
و بازارها که از موفیکه خروج شاه معلوم شد بسته بودند طرف ظهر  
باز گردیدند اهالی بسیار مشوش بودند از اینکه شاه پس از آن چه  
اقدامی خواهد نمود و غیر معلومی جریان مسئله سرحدی باشکالات و  
خوف های حکومت موقتی افزوده درین دوروز بعد مابین درباریان  
و وزراء شاه زادگان و اعیان سرعت و متعاقب هم گفتگوها و مذاکرات  
بمعل آمده و روز شنبه بعد از ظهر (۶ شهر جاری) وزیر امور خارجه از  
سفیر روس ملاقات نموده پس از مذاکرات طولانی راجع بمسئله  
سرحدی با امیر بهادر جنک صحبتی نموده نتیجه این شد که او فردا  
صبح آروز از سفارت خارج گردید

مسیودوهارت ویک مرا اطلاع داد که مشیرالدوله اطمینانات  
کافی از بابت امنیت امیر بهادر جنک باوداده و بنا براین دلیل دیگر نبود  
برای آنکه او زیاده براین در تحت بیرق روس خود را محفوظ دارد  
امیر بهادر جنک فوراً بطرف قصر مراجعت نمود

بعد از ظهر ۷ ژون کابینه آخر الامر تشکیل گردیده وزیرای جدید  
بمجلس آمدند ولی چون مراسم معرفی آنها بطور محرمانه بعمل آمد  
مسئله تشکیل آنها بطور عموم بر همه معلوم نگردید

طرف مغرب هرمز میرزا بقلهک آمده مرا اطلاع داد که  
برادرش جلال الدوله و علاء الدوله و سردار منصور و عضد الملک را شاه

دستگیر نموده و سماعی پس از آن شخص دیگری آمد و همان حر را داده علاوه نمود که سه هزار حسنه‌های اولی‌رادر برقل و ربحر کرده تا کمال بی‌شراعی و آنها رفتار شده است هر دو از من محض نمودند که آن برای اسب‌حلاص حلال‌الدوله چنانچه بری نصر الملت اقدام نمودم کاری حوهم کرد نه

من اظهار داشتم که موارد مختلف مدسد و برای آنکه ریب حلال‌الدوله مداحله نسام هیچ سب و علی نداسه و خون اسطور شهرت داشت که او در اهلاب احیر سربک بهی نموده و مسئله ممکن بود و در هر صورت دلیلی بری آنکه حق و در مرض حبلر باشد در سب سب و در حصص هر هر مقرر مسئله دستگیری ادر خود را به بطور شرحی پس کرد هر دو آنها از ره نمودند ~~ص~~ امکان دارد متحصص و بر اداحل مهار بجای شهر شوند و از من محض نمودند در صورت چه قسم عمل حوهم کرد چه روح رو و هر ار علامان معتمد به فرسادم که در هی سب را سبه همان موط باشد و هر گاه کسی بخواهد سب احتدر نماید تلفون من حر رسد سپس معلوم کرد که شاه علاء‌الدوله و حلال‌الدوله و سردار منصور و سایرین در محصر حصر نموده ابتداء آنها مثل طاعت امر او را نمودند لیکن عند الملت گفته است که او حفظ حق آنها را نظر بر اسبه اطمینان بحسی که شاه بتوان او فرستاده صمانت مسماند و عند آنها قبول ریب بصورت شاه را نمودند و دسته از عساکر با ناعشاء بهمراهی آنها رفته باجا رسیدند شاه آن سه نفری را که تصور می‌نمود محرکین عمده اهلاب برای احراج درباریان بوده اند توقیف نموده است شماع



عبدالملك در حق آنها بی سخته بود و اظهار داشت که خود را سربك  
 محب محبوسین خواهد نمود و علمها در عصر بوقت نمود  
 اسكه ميگویند در ناعشاه و در موقع تسافرت بطرف دار بدران  
 نام محبوسین مذکور بطور سحت زهار شده صاهراً بکلی کذب است  
 هیچ کهنکوثی نسب که شاه کاملاً حق دانست در مورد علاء الدوله  
 و حلال الدوله سوء ظن برد وای دستگیری سردار منصور سبب محبت  
 عموم واقع گردید این شخص سبب ندمیه مذکور کل ناگروان بود و از  
 فراری که بسورم شد در ملک مملکتی بحال داشت مسود و هارت  
 و نك مرا اطلاع داد بمشاوره حدی برد دلیل دستگیری و آن  
 دونهر چه بود من سفیر موسوم طهارت اسم که چون سردار منصور  
 دارای نك بگس است من خود را محصور می بینم «اسكه از سبب  
 بی احترامی که سوورد آمده به حقش نماند ولی فعلاً مشهود جنگیم که  
 برای شخص سبب طریقی مسرورم که حمل بدختره ر طرف من  
 در مورد ارشود و آن اداره که ر علاء السلطنه بمن مرسوم شده از  
 فرار معلوم بود طاقهای «الاحانه عبدالملك در ادامات بهجه سركب  
 نموده و مسئله آمدن او قبل از ورود سارس بر شاه اسطور شده نموده  
 که محرك عمده همه برصد او بوده است در اطار امر این دانسی  
 نشان ... البته بمن حق میدهد که برای شخص تعهد او فشار  
 آورم ولی چون اشکارا اقدام برای استخلاص او معبر خواهد شد صلاح  
 دانسه ام صكه از هراهدامی که صوریا شبیه بمداخله در امور داخلی  
 باشد احترام نماند من پیشنهاد میکنم که بعلاء السلطنه بهمانم که من  
 اسطار دارم از سبب مصیر سردار افغان شوم

متعاقباً این اوضاع دومرتبه تجدید شده و اخبار بسیار متضاد شیوع یافت انجمنها ظاهراً از صلاحیت مداومت درگشش و کوشش خود تردید داشته و مجلس و هیئت وزراء ظاهراً مایل نبودند که اوضاع کسب شدت فوق‌العاده نماید روز چهارشنبه صبح (۱۰ شهر جاری) اعضای انجمنها بطرف محل اجتماع سابق خود که مسجد سهالار باشد هجوم آورده و دسته قراول قوی در میدان توپخانه چادر زده شب و روز درگشیک بودند و نامدتی اینطور بنظر میامد که منظر و وقایع ماه دسامبر میخواید دومرتبه تجدید شود ولی شهر بطور آرامی باقی بود و بازارها یکی دودمه بطور موقت بسته شد و اقدامی که شب برای خلع اسلحه و تفنگ مردم نموده بود موقوف شد و چنان مینمود که شاه در باعشاء که دسته قراولان آنرا محافظت نموده و عده قوی عساکر بادو عراده توپهای صحرائی آنجا بودند همین طور در عزم خود ثابت نبود از قرار مذکور او دستگیری و محاکمه رؤسای عمده ملی را از قبیل تقی زاده و ملک‌المتکلمین و مستشارالدوله و سیدجمال را مطالبه نموده بود و از طرف دیگر انجمنها در نظر داشتند که از او درخواست نمایند بگذارد علاءالدوله و دو نفر از همراهان او که در نحت عده زیاد مستحفظین بمازندران فرستاده شده بود بطهران عودت داده شده و از آنها محاکمه شود طرف ظهر جمعه (۱۲ شهر جاری) شاه دستخطی بنسب یکی از صاحبمنصبان داده بهراهی سی نفر سرباز بمجلس و نزد وزراء رفته اعلام نمودند که هرگاه اجتماع مسجد از هم متفرق نشوند بقوه قهریه آنها را متفرق خواهد کرد اگرچه این تهدید اعمال و اجرای

آن بهیچوجه صورت وقوع نمی یافت کافی بود پس از مذاکرات محرمانه مختصری درحالیکه درهای مجلس مسدود بود دسته کوچکی از اعضاء بارتیس مجلس در جلو آنها بطرف مسجد شتافته از مردم استدعا نمودند بخانهای خود روند پس از اتمام نطق رئیس مجلس تقی زاده نطقی نموده این سر کرده بزرگ از مردم ملتس شد که بدون اینکه از جهات و اسباب اینکته چرا او مواظقت آنها را لازم میداند درخواست رئیس را قبول نمایند مردم این درخواست را بطور آرامی اطاعت نموده و اعضاء انجمنها شروع بحروج از مسجد کرده و اعلان بزرگی را که بموجب آن در دوازده مورد شاه را بنقض انتان قسم در حفظ مسروطیت معرفی کرده و بدیوار جسیبیده بودند همراه بردند علاء السلطنه که بعد از ظهر بملاقات من آمد از نتایج مطلوبه خوشنود مینمود و تصور میکرد که تا مدتی امورات بیك طوری فیصله شده است طرفداران مشروطیت چون تصور می کردند که مجلس بامال آنها حیات کرده بی اندازه افسرده حال بودند بحتمل تصاحیح مجلس بجا بود چرا که شاه بحوی می توانست بقیین نماید که اجتماع عده کثیری از مردمان مسلح برای امنیت عمومی و یابرای شخص او خطر ناک بوده و حق آرا داشت که بقوه قهریه آنها را متفرق نماید و حال آنکه حالا که مردم به خانههای خود مراجعت نموده اند عذری برای او باقی نخواهد ماند که چنین اقدامی را بنماید با این تفصیل بزودی مفهوم گردید که مظفریت طاهری شاه عمقی نداشته و روز بکشنبه صبح ( ۱۴ شهر جاری ) بازارها و دکاکین دوباره مسدود گردیده معلوم شد

که مخالفت هنوز بانها نرسیده و سرکردگان هیجان ملی در فکر آن بودند چطور کشمکش را بوسایل موافق قوانین مشروطیت و بطور مسالمت خاتمه دهند از قرار مطوم شاه باقلبی سخت حاضر و مہیای اقدامات شدید ہدہ بود و از مخبرالدولہ مبلغ گزافی (۱۰۰۰۰ لبرا) گرفته و بواسطہ آن سعی داشت کہ از دادن اضافہ حقوق بتابعین و صاحبمنصبان آنها حسن خدمت و وفا داری آنها را بطرف خود جلب نماید۔ روزی چہار قران بتابعین و پنجقران الی یک نومان بصاحبمنصبان و بعلاوہ شروع نمود کہ از طبقہ پست اہالی شہر تشکیل استعداد دیگری دادہ و باع شاه را مبدل بیک اردوگاہ منظم و مسیحی نمود ولی ناظر روز دو شبہ (۱۵ شہر جاری) کسیرا دستگیر نمودند آنوقت سلیمان میرزا رئیس انجمن برادران درواہ فرانس و سایر اعضاء مہم آن گرفتار شدند شخص اولی کہ یکی از مہورین وزارت جنگ است متہم شد بانکہ از تورخانہ جنگ و سحہ دیگر بیرون دادہ و از قرار مذکور قرار بود برای محاکمہ نسیم دولت شود

در اینمناوال سرکردگان ملی تصمیم اتحاد روبہ مسلک برای خود کردہ و از شاه استدعا نمودند کہ ہیئت مرکب از ۶ نفر از اعضاء مجلسرا بپذیرد و این ہیئت قرار بود یاد داشتی ~~ص~~ حاکی ابتان قسمہای مختلفہ شاه برای مشروطیت باشد باو عرضہ داشتہ از وی خواہش نمایند ~~ص~~ بامجلس موافقت نماید چرا کہ اگر غیر از این باشد نمایندگان ملت بوظایف ملی و مملکتی خودرا نمیتوانند عمل نمایند شاه از پذیرفتن این ہیئت سر باز زدہ تا بعد

از ظهر سه شنبه ( ۱۶ ژون ) پس از آنکه مطالب یاد داشت مذکور را با صدای بلند خودش خواند جواب داد همین حالا می تواند جواب قطعی بدهد ولی مستمعین را متذکر نمود که قاجار به اینرا با قوه شمشیر بدست آورده و قصد او این است که آری قوه شمشیر حفظ نماید

وزیر امور خارجه را که بعد از ظهر ۱۶ ژون ملاقات نمودم و بطور واضح و ساده بر خلاف عادت معمول خود صحبت نمود اظهار داشت که او موقع را خیلی مهم میداند و مدککور داشت که از تمام صراط مسکت بلکرافات نهدند آمیز ترغیب شده می رسد و آنچه وزرا بقصد انصراف شاه از عقب این طرفه و روش خطرناک به اظهار میداشتند بی نتیجه بود من اظهار دانستم که سفیده من هرگاه پس از دستگیری علاء الدوله و دو نفر همراهین او آنها را برای محاکمه بوزارت عدلیه نسام نموده بود مقام شاه از حالتی حیثی محکمتر میند و شاید هنوز هم وقت اینکار گذشته است و هرگاه چنین رفتار نموده بود دلیل واضحی بود بر آنکه شده میخواست موافق قوانین مشروطیت عمل نماید و بواسطه دستگیری آنها بمردم واضح نموده است که دارای قوه کافی است که از خود دفاع نماید علاء السلطنه اظهار داشت که وزرا بهر طریق که بنظرشان رسیده باشاه صحبت نموده اند که او را ترغیب باعمال ارائه طریق که من نمودم میکنند ولی نتیجه نبخشیده است و از من سؤال نمود آیا میتوانم بیک وسیله همین نصیحترا در قصر او برسانم من باو گفتم در اینمسئله غور نموده ملاحظه خواهم کرد بیستم میتوان

### کاری کرد یاه

در عرض هفته گذشته چندین تلگراف از شهرهای ایالات رسیده از سفارت ملتمس شده اند که بمعاونت مشروطیت که ایجاد آن بواسطه همدردی و همراهی بریطانیای عظمی شده اقدام نماید من مستقیماً بهیچیک از این تلگرافات جوابی نداده ام ولی در یکی دومورد همینکه میدیدم جوابی از طرف سفارت ممکن است باعث تسکین گردد بقوسولهای اعلیحضرتی دستورالعمل داده ام که اگر از او درخواست مطالبه جواب شود اظهار نمایند که انگلستان در مقام یک دولت مشروطه همیشه لازم است که باهیجانهای برای مشروطه همدردی داشته باشد ولی مناسب و صحیح نخواهد بود که آندولب در امورات داخلی ملت آزاد و مستقلى دخالت نماید و در هر صورت ایران مطمئن باشد که مودت انگلستان سبت بایران کما فی السابق مستحکم است

نمره ۱۷۶

منخص مکتوب مستر مارلینک برادواردگری . - (واصله ۶ ژوئیت) قهک ۱۸ ژون ۱۹۰۸ باوجود اینکه ایران در واقع وزرائی نداشته اوضاع عمومی منکبت بدتر بوده شیراز بواسطه کفایت ظل السلطان منظم گردیده و شهر و ابالت فارس ظاهر آرام است برعکس در کرمانشاه بی نظمی و بی ترتیبی بطور عموم شیوع دارد و در سلطان آباد و نواهی اطراف آنجا قالی بافان کمپانی ذیقتر ابراز میل به برهم زدن کتترانهای خود نموده اند و بهرام میرزا حاکم آنجا ظاهراً بکلی قدرت اینرا ندارد که حقوق کمپانی ذیقتر

۱  
 را محفوظ دارد چنانچه کفیل رئیس اداره تلگراف هند و انگلیس  
 اطلاع میدهد در کرمانهم همین اواخر بکروز جنک بین دو طرف  
 مخالف بوقوع رسید ولی چون قونسول اعلیحضرتی راپورت آرا  
 بداده تصور میسکنم واقعه عمده رخ ننموده است

حضور بستیهادر اداره تلگراف نزد هند و انگلیس که قریب  
 سه هفته بطول انجامید اسباب تشویش زیاد خیال من گردید چرا که  
 اجماع مردم متعصب ممکن است چنان تغییر حال داده دیوانه شوند  
 که چنانچه درینرد اتفاق افتاد دوسه نفر مرتکب خودکشی گردیدند  
 و در هر لحظه وقوع یک حادثه بزرگ تاسف انگیزی امکان داشت و  
 بعلاوه برای دولت ابران اشکال داشت در مورد آنها سخت گیری ننماید  
 چرا که رعایا برای منع پرداخت مالیاتی را که از هشتاد سال باین  
 طرف می پرداختند مشغول تهییج مردم بودند و البته قصد و مطالبه آنها  
 نکلی ناحق بود

اگرچه راه بواسطه بستن ادارات تلگرافی طهران کوشش  
 کامل نموده که از شیوع اخبار و وقایع اینجا باطراف جلوگیری نماید  
 در اینکار چندان موثقتی حاصل نموده و اهالی ایلات و ولایات با دقت  
 تمام مواظب وقایع پابنتخت میباشند و در میان مردم هیچان زیادی  
 پیدا شده و از شهرهای بزرگ اطراف تلگرافات رسیده وعده همراهی  
 مسلح با مشروطیین داده اند خیلی مشکل است بگوئیم تا چه اندازه  
 میتوان باین تلگراف اهمیت داد یا تا چه اندازه این تلگرافات نماینده  
 عقاید عامه اهالی مملکت میباشد من شخصا شک زیاد دارم از این که  
 زیادتیر از چهار شهر که قزوین ورشت و تبریز و اصفهان باشد حقیقتا

دستجاتی اعزام نمایند مگر اینکه شاه بکلی برخلاف عقل رفتار نموده  
 و واقعا بمجلس حمله نماید و محتمل است که اکثر تلگرافاتی که  
 زیاده بر شاه اثر کرده از طرف وطن پرستان اسمی بی مهر که نام خود را  
 انجمنهای محلی گذارده اند مخابره گردیده مفصود من این است که  
 برای شاه خطاری از این تهدیدات متصور نمیشود این مسئله بسنه به ندرت  
 است چرا که هرگاه عده آهائی که برای خلع شاه داد و بیداد میکنند  
 کم باشد عده شخصی که از روی میل برای نجات و استخلاص او  
 کمکی ب او خواهند نمود خیلی کمتر میباشد اکثر بن اهالی  
 مملکت گمان میکنند بیطرف هستند و فقط میخواهند حکومتی که  
 اسباب امنیت معذلی فراهم آورد تشکیل شود ولی اگر به آنها  
 فهمیده شود که در حق شاه حایه سنگدل چنین حکومتی امکان  
 ندارد بسهولت ممکن است آنها را بهیچن آورد که تا ساربن در  
 داد و فریاد برای جمع او شریک گردند این مسئله در برای تحت  
 ترق دارد در طهران عده کثیری از مردم هستند که از مشروطیت  
 آقدر هواید و منافع انتظار دارند که خودشان هم اندازه آرا می  
 دانند و بطور حتم برای آنها ثابت است که در تحت سلطنت محمد  
 علی پرزوها و آمال خویش بهیچوجه مائل نخواهند کردید این  
 دسته مردم یا آنکه جاهل هستند دارای صمیمیت کافی میباشند و  
 سرکردگان انجمنهای عمده در میان آنها یافت میشود و این انجمنها  
 نفوذ کامل در جریان اوضاع داشته انجمنهای بزرگ بقدر کفایت  
 متدین هستند ولی بسیاری کوچکترهای آنها فقط برای به شرف  
 مقاصد و اغراض شخصی تشکیل گردیده اند بدبختانه تمام انجمنها



از این صفت مذموم مداخلات فضولانه در امورات در صدمه هستند و چون  
 عموماً بطور تهدید هم مداخله مینمایند — و در حقیقت اگر آبهائی که  
 تهدید بایشان میشود قدری جرات بخرج مبدادند بتهدیدات آنها  
 اعتنائی نمیشد — حکومت کرمان اصلاً غیر ممکن شده ولی وزرای  
 ایران با لافل آبهائی که در این هشت ماه اخیر سرکار بودند بدبختانه  
 حتی آنقدر جرات کم لازم را نداشته و نتیجه این شده که تندروی  
 انجمنها تا قبله تشویق شده که در واقع اختیارات نمایندگی اعضای  
 مجلس را عصب نموده اند در واقع انجمنهای نیم سری و بلتیک  
 بکی غیر مسئول طهران بک نوع حکومتی میکنند نه اینست که نفوذ  
 انجمنها بکی بد باشد و برعکس تا کنون این انجمنها بک پشتیبان و  
 حامی پارلمان برضد مستبدین بوده اند ولی همینکه اقتدارات خود را  
 درک نمودند اغلب اوقات آنرا سوء استعمال نمودند و بعضی اوقات  
 ولی نه غالباً در مسائل مهمه آنرا از روی میل سوء استعمال میکردند  
 ولی اکثر او اغلباً از روی جهالت صرف بود

نمره ۱۷۷

مکتوب مستر مارلبنک سرادوار دگری . - (واصله ۶ ژوئیت)

قلک ۱۹ ژون ۱۹۰۸ آقا افتخارا خلاصه وقایع چهار ماهه اخیر

ایرانرا بطریق معمول ماهیانه لفا ایفاد میدارم

(امضاء) ارست گای

ملفوف نمره ۱۷۷

خلاصه وقایع ماهیانه - طهران

وقایعی که در عرض چهار هفته گذشته در ایران روی داده

درمکتوب ۱۷ ژون مسترمارلینک مشروحا مذکور گردیده است کابینه	
جدید که در ۷ ژون بمجلس معرفی شد مرکب از اشخاص ذیل است	
وزیر داخله و رئیس الوزراء	مشر السلطنه
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر امور خارجه	علاء السلطنه
وزیر عدلیه	محتم السلطنه
وزیر جنگ	مستوفی الممالک
وزیر معارف	مشر الدوله
وزیر تجارب و فوائد عامه	مؤمن الملک
امضاء	جرجیل منسی السنه شرقی

### اصفهان

در ۱۷ مه نمایندگان الحتمهای پلتیکی مختلفه در محل اجلاس انجمن محلی برای رفورم انتخاب اعضای آن هیئت و تحصیل امنیت طرق و شوارع و تنبیه اشخاصی که بر علیه مشروطیت صحبتها کرده بودند و تاسیس محکمه عدلیه مرفوع داشتن عادت بست اختیار نمودن بمساجد و خابهای علما رفته پناهنده شدند پس از قدری مذاکره حکم وانجمن محلی با نقاضاهای آنها موافقت نموده و در ۲۲ مه متحصنین مذکور از عمارت انجمن خارج گردیدند این هیجان در نفس الامر بر علیه آقا جفی که یکی از مستبدین است بعمل آمد و از او نوشته گرفته که با اصلاحات مذکور موافقت نماید

در ۲۸ مه پانصد نفر از دهاتیان ریتان که در نزدیکی اصفهان

واقع است در قونسولخانه انگلیس بعلت مالیات گزاف که از آنها مطالبه میشد متحصن شدید آقاجقی آنها را بترك قونسولخانه تحریص نمود ولی از آنطرف آنها را تشویق نمود که تا زمانیکه حکومت آنها را بفرستادن نوپ بدهاشان تهدید میکند از پرداخت مالیات امتناع ورزند

پس اصفهانرا ساروقین در ۱۹ مه نزدیک طرق زدند در غره هم چهارصد رأس کوسفند را در ترقدیکی فمشه بسرف بردند.

### یزد

در ۲۲ مه دهابین بهداره ننگراف خاله آمده خواستند در آنجا بست احنیر نمایند در ۲۰ مه دوش از آنها برخود نشت ریخته و خود را آتش زده بودند و سه نفر خود را از بالای يك مذری بزمین انداخته یکی از آنها تلف شد

ننگرامی اروزبزمالبه رسید که يك قسمتی از مالیاتی که مطالبه شده مرفوع شود ولی قبول نکردند در ۲۴ مه چون از طرف مجلس جوابی رسید ازدهام بنگراف حانه ریختند در ۲۶ مه رئیس انجمن بتمام علمای یزد ننگراف نموده آنها را برای آنکه گذارده بودند باجواب متوسل شود سرزنش نموده به آنها تعلیم دادند که مردم را وادارند از ننگراف حانه خارج شوند ولی مردم بحای خود باقی مانده در ۲۹ مه بعضی از آنها از آنمحل خارج شدند ولی سرکردگان و اکثریت آنها در آنجا ماندند در ۳۰ مه باز هم دهاتیان روبشهر آورده سه چادر برپا کردند در ۳ ژون دسنه از اینمردم خواستند

رئیس بانک شاهنشاهی را که در کوچه با او ملاقی شدند بعنوان گرو  
توقیف نمایند ولی آنها را از این خیال منصرف نمودند سپس تلگرافی  
از شارژدافر اعلیحضرتی واصل شد مشعر بر اینکه وزرا مشغول اقدامات  
میشوند و مردم در اجتماع آن خاموش بودند و از انجمن مطالبه  
جواب مینمودند در ۶ ژون تلگرافی از شارژدافر رسید مشعر بر اینکه  
انجمن تصمیم نموده بودند مالیات مذکور را وصول نمایند و این  
اسباب نسکین مردم گردید در ۶ ژون سرکردگان آنها با اشکال  
آنها و دار نمودند بگذارید در اداره تلگراف خانه برشود و کبرها  
محمور شدند خود را در هیجان شریک نمایند و همینطور اتصالاً به آنها  
ملحق میشوند حاکم بی قدرت بود ولی میخواست عده محرکن را  
که بعضی از دکاکینی را که اوامر بیاز کردن داده بود و آنها بسته  
بودند دستگیر نماید چون آنها در تلگراف خانه بودند مستریک من  
برای آنکه مبدا خونریزی شود او را از این اقدام منصرف نمود بانک  
شاهنشاهی سینه بود چرا که اگر باز میبند شد اسباب اعتشاش فراهم  
میآمد در ۱۰ ژون از رئیس مجلس و وزیر مالیه تلگراف رسید که  
وصول این مالیات ناورد کمیون نفتیش بتعویق انداخته شود سر کرده  
این جمعیت بشارژدافر اظهار تشکر نموده روز بعد جمعیت کمتر شده  
ولی از آنجائیکه از صحت و سقم تلگرافات واصله مشکوک بودند  
از آنها آنجا ماندند در ۱۲ ژون با وجود آنکه تمام آن جمعیت از اداره  
تلگراف خانه خارج شده بودند سر کرده آنها آنجا ماند

## کرمانشاه

نماد نقاط کرمانشاه در عرض ماه مه بعثت ایلات صکه با مشغول غارت مسافرن و با جنک مابین خود بودند خیلی مفشوش بود ظفر السلطنه حاکم جدید رسیده بود و شهر بحال اغتشاش باقی و تجارت متروک گردیده بود

نمره ۱۷۸

مکتوب مستر اوپرن برادوارد کری - - (واصه ۶ زوت)  
 ساب بطرز بودع ۲ زوت ۱۹۰۸ آقا در باب بلگراف ۳  
 شهر جاری من افتخاراً عرض میکنم دبروز باوزیر امور خارجه ملاقات  
 نموده و در باب امور طهران مذاکره نمودم  
 جناب معظم الیه باد داشتی را قرائت نموده و بمن دادند این  
 باد داشت مشعر بود بر اینکه بمجرد آنکه من در حواس نمودم که  
 دولت امپراطوری روسیه در مطالباتی که دولت اعلیحضری در دولت  
 ایران مینمایند همراهی نمابند بسفر روس فوراً بلگراف تعلیم داده  
 شد که بانقضاهای مستر مارلینک نقوب جدی مانند دولت روس  
 حتماً چه در آن باد داشت بکارش یافته از اطمینانی که شما در باب  
 پلتبکی که دولت اعلیحضری در بحران ایران تعجب مینماید داده‌اید  
 امتنان دارد و دولت روس اظهار میدارند که آن دولت کما فی السابق  
 خود را پای بند قرار و مداری که مابین دولتین در مسئله ایران و  
 عدم مداخله در امورات داخلی آن داده شده میداند و مجدداً به  
 مسیو دوهارتویک امر داده اند که بکار گذاران روس مقیم طهران

دستور العمل داده شود صکه سبب سفارت انگلستان بطور دوستانه  
سلوک نماید (امضا) هجو او بر

مره ۱۷۹

بنکراف مسرمارلینک سرادواردگری . - (واصله ۶ روت)   
طهران ۵ روت ۱۹۰۸ شاه تمام خاصهائی دولت اعلیحضرتی  
را قبول میکنند ولی درباب صکته ارحس ماده ۴ شده آن  
اعلیحضرت میخواهد چند هر از سببها از مملکت اخراج شود  
عده آنها را به باجمار منجاور خواهند بود

کمان مکتوم موهب دامل شاد ناعب رفوع غسل محصله  
اشکالاب آینه خواهد کردند مدب عدب اس بحاس از ایران کمان  
مکتوم نیک سال ۱۰۰ محدود شود و اسطور باسد شرط شود صکته  
هریک از آنها درماسکه از هرگونه اقدامی برعینه سه اجترار کند  
در مراحمب سی از اعضای مدب مرقوم کسی ممرحم او خواهد  
شد آینهی که دل را اقصائی اسمدب مراحمب کنند البته خود  
مسؤل خطرات وارده خواهند بود هرگاه نکمدب معنی برای آن  
قرار داد بود محصنن محکوم به نمی اندی خواهد شد

ممکن است بعضی ارمحصنن از قبول شرایطی که بالاخره  
مابس دو نوبت برقرار شود امتناع ورزیده محصنن آنکه سفارت  
اعلیحضرتی را آلب بنشرف مقاصد پلنکی خود قرار دهند بحروح  
از آنجا مانل بیاشند هرگاه اشخاص مذکور را بدولت ایران سلیم  
معائم تاثیر آن در ایران برای ما غیر مستحص خواهد بود و از  
وصول تعلیمت شما در این باب خوشنود خواهیم کردید

وزیر امور خارجه سوادى از مضمون ترصیة را که بناست  
 بخواهد قبلا بمن ارائه خواهد نمود که تصویب کنم  
 اگر اعتراضی ندارند من خوشنود خواهم بود که با میل  
 جناب معظم الیه در خصوص اینجستکه ایشان و بمابنده شاد علیحده  
 ترصیة بخواهند موافقت نمایند جناب معظم الیه از ابتدا تا انتهای این  
 امر کوشش داشته‌اید که بمن همراهی کنند و من می‌خواهم ایشانرا  
 بانوسیله ممنون سازم

نمره ۱۸۰

تلگراف مستر مارلینک سرادواردگری - (واحد ۶ ژوبت)  
 طهران ۶ ژوب ۱۹۰۸ در دوم شهر جدی مؤبدالدوله  
 که قبل از حوادث ۲۳ شهر ماضی بحکومت منصوب بود و اسما  
 تاکنون بعهده خود برقرار بود دومریبه بحکومت بعین گردید

نمره ۱۸۱

تلگراف سرادواردگری بمستر مارلینک  
 وزارت خارجه ۶ ژوبت ۱۹۰۸ متحصنین سفارت - راجع  
 بتلگراف ۵ ژوب شما - میتوانی ترصیة جداگانه را قبول نمایند  
 دولت علیحضرتی پیشنهاد شما را در اینکه در صورتیکه  
 متحصنین از مملکت حصارچ هوند بعد مدت تبعید آب معین باشد  
 قبول مینمایند همچنین این شرط را که در صورتیکه هر يك از آنها  
 در مراجعت در اقداماتی خود را شریک نمایند کسی مزاحم آنها  
 نشود تصویب مینمایند هر گاه مدت یکسال کافی نباشد ممکنست يك  
 مدت زیادتری رضا دهیم

هریک از متحصنین را که از ترك سفارت امتناع میورزد اطلاع دهید که نمیتوان آنها را اجازه توقف داد ولی ترتیبی داده خواهد شد که در خروج از مملکت بانها بدرفتاری نشود نمی توان در تحصن سفارت تا مدت غیر معینی دوام داد و این کار باعث مداخله در پلتنك و امور داخله مملکت خواهد شد و فقط در مواقعی که خطرات جانی عاجل متصور است میتوان بطور موقت برای حفاظت اجازه به آن داد

مره ۱۸۲

تلگراف سرادوار دگری بمستر مارلینك

وزارت خارجه ۶ ژوئن ۱۹۰۸ مستحفظین نزدیک سفارت -  
راجع بتلگراف ۵ ژوئن شما نازمانیکه نزدیک سفارت مستحفظین برقرار میباشد رضیه قبول نخواهد شد و هرگاه آنها را نفوریت و بالتعمامه برمدارند دیگر تصور نمیکیم تقاضاهائی که از طرف ما شده در این مورد ~~مکفی~~ باشد وزیر امور خارجه را از این مسئله مستحضر سازد

مره ۱۸۳

تلگراف سرادوار دگری بمستر اوهرن

وزارت خارجه ۶ ژوئن ۱۹۰۸ مستحفظین دور سفارت  
طهران شما باید میو اسولسکی را از مضمون تلگرافی که در ۶ ژوئن بمستر مارلینك مخبره نمودهام مستحضر داشته و از ایشان درخواست نمائید که تعلیمات جدی بسفیر روس برسانند که با اظهاراتی که مستر مارلینك باید بکند تقویت نمایند



## نمره ۱۸۴

تلگراف مستر مارلینک بر ادوارد گری ( واصله ۷ ژوئیت )  
 طهران ۶ ژوئیت ۱۹۰۸ آيا امکان دارد که بادولت روس  
 در باب این پیشنهاد ~~که~~ بالاتفاق اظهاری بشاء نموده اورا به انعقاد  
 پارلمان بهمین زودیها دعوت نماید مذاکره شود باجرات ارائه طریق  
 مینمایم که چنین اقدامی از طرف ما مستحسن واقع خواهد شد  
 در عرض سه ماه قبل از انتخابات ناصحین شاه امید وارند  
 که بواسطه تشکیل مجلس سنا که در قانون اساسی ذکرى از آن  
 رفته و اجرای قانون جدید انتخابات تغییرى در اساس مشروطیت  
 بدهند گمان نمیکنم که مجلس حمالید بااین قسم نقشها که هیئت  
 وزرا پیشنهاد نمایند مخالفت کند و هر قسم نقشه که ظاهراً مراعات  
 قوانین مشروطیت را بنماید و حتی يك پارلمان ناقص آنرا تصویب  
 کند زیاده باعث اطمینان اهالی مملکت خواهد شد

## نمره ۱۸۵

تلگراف مستر مارلینک بر ادوارد گری . - ( واصله ۷ ژوئیت )  
 طهران ۷ ژوئیت ۱۹۰۸ عساکر دور سفارت اعلیحضرتی  
 راجع بتلگراف ۵ شهر جاری من عساکر دیگر دور سفارت  
 گردش نمیکنند مسیو دوهارتویک بطور سخت بدولت ایران  
 اصرار میکند که باتقاضاهای ما موافقت نمایند

## نمره ۱۸۶

تلگراف مستر مارلینک بر ادوارد گری . - ( واصله ۷ ژوئیت )  
 طهران ۷ ژوئیت ۱۹۰۸ وزیر امور خارجه دیشب محض